

# مناظر فرهنگی و اجتماعی آرامستان میلان با رویکرد فضای باز جمعی شهری

بهزاد مسعودی اصل

پژوهشگر دکتری معماری، پژوهشگر دکتری معماری، پژوهشگر دکتری معماری

bmasodias@yahoo.com

## چکیده

در کلیه تمدن‌هایی که سنت مرگ، با خاکسپاری همراه است، آرامستان‌ها بوجود آمده و این مکان‌ها در دوره‌های مختلف خصوصیات متفاوتی را در ارتباط به نوع پذیرش جامعه از مرگ پیدا کرده‌اند. در این راستا می‌توان فضای آرامستان را از این منظر در فرهنگ‌ها و تمدن‌های مختلف مورد بررسی قرار داد و نحوه تأثیرگذاری مفاهیم، آیین‌های عبادی و سنت‌های مرتبط با مرگ را در هر فرهنگ بر چگونگی پیدایش فضای آرامستان شناخت. ارتباط بشر با فضا، وابسته به برقراری ارتباط فرد با مکان و روابط اجتماعی است که در آن مکان شکل می‌گیرند. بدین معنی که کیفیت یک فضای شهری از یک سو، منظر چگونگی ارتباط آن با افراد و از سوی دیگر، با روابطی که درون آن فضا از منظر فرهنگی-تاریخی و اجتماعی شکل می‌گیرد قابل قیاس است.

آرامستان میلان می‌تواند از مصادیق موفق معمارانه نگرش به پدیده مرگ باشد. این آرامستان تاریخی به عنوان موزه روباز و مکان نمایش انواع هنرها (نقاشی، مجسمه‌سازی، ادبیات، خطاطی، معماری، منظره پردازی و...) است و بیان‌گر فرهنگ، اعتقادات و باورهای مردم جامعه درباره مفاهیمی چون زندگی، مرگ، نیکی، زمان ابدی، طبیعت و... است. این آرامستان از منظر فرهنگی و اجتماعی نیز در زمره منابع با ارزش هنری و معماری کشور ایتالیا به شمار می‌رود. همچنین به عنوان یک فضای پویا و ماندگار در خدمت فعالیت‌های آیینی، فرهنگی، مذهبی و اجتماعی قرار دارد و در این پژوهش سعی شده که به نقش آن به عنوان فضای باز جمعی شهری با استفاده از مناظر فرهنگی و اجتماعی آن، از روش تحقیق کیفی و با رویکرد توصیفی-تحلیلی که جمع‌آوری اطلاعات با استفاده از مطالعات اسنادی و بررسی میدانی بوده، پرداخته شود.

## واژگان کلیدی

مناظر فرهنگی و اجتماعی آرامستان میلان، جایگاه آرامستان در فضاهای باز و جمعی شهری، آرامستان‌های تاریخی، معماری مرگ.

## مقدمه

آرامستانی شده است. گورستان‌ها به عنوان بخشی از فضاهای شهری، بازتابی از سکونت انسانی در تاریخی‌ترین فرم خویش است. مکانی که ارتباط تنگاتنگی با جامعه انسانی داشته و بر مبنای تاثیرگذاری‌ها و تاثیرپذیری‌های دو جانبه به حیات خویش ادامه می‌دهد. (Miller, 2006: 1) چنین به نظر می‌رسد که در این مکان‌ها، زمان و فرهنگ هر عصر برای همیشه منجمد شده و شاید از این منظر است که می‌توان مهمترین عملکرد این فضاها را انتقال گذشته به حال و حال به آینده دانست (تصویر ۱)؛ (ورپول، ۲۰۰۳: ۱۸).



تصویر ۱. آرامستان میلان، ایتالیا. عکس: بهزاد مسعودی اصل، ۱۳۹۴.

موضوع مهم و قابل توجه در مورد آرامستان‌ها این است که پدیده مرگ عامل شکل دهنده بخشی از مناظر محیط پیرامون ماست و به همین دلیل آدولف لوس چنین می‌گوید که تنها معماری‌های رایج در دنیا که بتوان به عنوان معماری از آن یاد کرد، معماری آرامگاه‌ها و مقابر است و بقیه براساس نیاز کارکردی به وجود آمده‌اند اما معماری آرامگاه و یادمان اصولاً معماری است؛ یعنی واژه معماری برازنده این موضوع است. اصولاً در همه تمدن‌ها توجه به مرگ باعث شکل‌گیری گونه‌های متفاوت معماری شده است. به عنوان مثال در تمدن غرب کاتاکومب‌ها (مقابر زیرزمینی) اتروسکی و در ایران گور دخمه‌های مادی و هخامنشی و در دوره اسلامی مقابر پرشکوهی که هنوز پابرجا هستند. لیکن آرامستان به عنوان فضایی که مربوط به مردگان است بیش از آنکه کارکردی برای مردگان داشته باشد دارای جنبه‌های عملکردی برای زندگان بوده و از این رو معرف همجواری مرگ و زندگی است.

آرامستان‌ها محل اجتماع نشانه‌ها و یادبودهایی هستند که ترکیب عناصر طبیعی و فرهنگی تاریخی، آن‌ها را به مکان‌های خاص تبدیل نموده و از آن به مثابه محیط‌های فرهنگی-تاریخی و طبیعی یاد می‌شود. با توجه به قدمت تاریخی آرامستان‌ها و مفاهیم تاریخی مربوط به مرگ، به عنوان کالدهای معماری مرگ، اساطیر انسانی در تمام دوران‌ها و تمدن‌ها بسیار باارزش جلوه می‌کند. در واقع معماری یادبودهای مرگ به عنوان یکی از قدیمی‌ترین معماری‌های جهان، کتابخانه‌های سنگی متشکل از بی‌شمار سنگ دارای نشانه‌های سمبولیک و تاریخی می‌باشد و مفاهیم فرهنگی-تاریخی و اجتماعی باعث پدیدآمدن مناظر

## پرسش‌های پژوهش

آیا آرامستان میلان یک فضای تدفینی صرف است یا یک فضای جمعی و مقصد گردشگری؟

در آرامستان میلان به عنوان یک فضای باز جمعی نحوه به کارگیری خصوصیات مناظر فرهنگی و اجتماعی شهری جهت جذابیت و کارکرد آن چگونه است؟

## فرضیه پژوهش

آرامستان میلان به مثابه یک فضای باز جمعی و مستقل شهری، پدیده‌ای فرهنگی و اجتماعی و نقطه تلاقی دو مفهوم متضاد، یعنی مرگ و زندگی بوده و به عنوان یکی از تاریخی‌ترین عناصر شهری و فضاهای هویت‌مند منطبق بر شهر و فرهنگ شهری، قابلیت ایجاد بستر لازم جهت گسترش و تداوم احساس تعلق خاطر، هویت و شکل‌گیری جامعه ملی و مدنی را فراهم می‌کند. همچنین

## ریشه‌های تاریخی معماری آرامستان در اروپا

تمدن اتروسک در اروپا مربوط به هزاره اول قبل از میلاد است. تمدن بسیار درخشانی که در علوم ریاضی، مهندسی، نقاشی، مجسمه‌سازی، معماری و سایر علوم پیشرفت قابل توجهی کرده بودند. از آثار مهم بجا مانده این تمدن دروازه پروجیا و مجموعه گورستان‌هایی است که به اسم «نکروپولیس» یا شهر مردگان معروف است و دقیقاً بر محورهای ساختار شهری رومی بنا شده و هندسه غالب بر آن مشابه نظام شهر شطرنجی است که در

یافته به شمار آورد. این مکان‌ها به عنوان مناظر خاطره‌انگیز نقشی اصلی در حفظ یاد و نام گذشتگان دارند (فیضی و رزاقی اصل، ۱۳۸۳: ۲۳)؛ (تصویر ۲).

آرامستان تاریخی میلان (Milan Monumental Cemetery) در زمینی با مساحت حدود دویست و پنجاه هزار مترمربع در طی سال‌های ۱۸۶۶ تا ۱۸۹۷ ساخته شده و طرح آن توسط «کارلوماکیاچنی»، معمار معروف ایتالیایی طراحی شده است. این مجموعه آرامستان عظیم درست در مرکز شهر میلان واقع شده و از لحاظ تاریخی و هنری دارای ارزش‌های فراوانی است. در قسمت ورودی این بنا، ساختمانی به سبک پانتونی موسوم به معبد مشاهیر وجود دارد که از انواع مختلف سنگ‌های مرمر ساخته شده است. این آرامستان یکی از برترین جاذبه‌های گردشگری میلان و دیدنی‌های ایتالیاست که شامل مجسمه‌ها، مقبره‌ها و بناهای یادبودی بوده و بسیاری از مقبره‌های آن متعلق به اشخاص مشهور است. آثار استادانه مجسمه‌های معاصر و کلاسیک ایتالیایی و همچنین معابد یونانی و دیگر آثار اولیه فلزی و سنگ‌های مرمر بکاررفته شده باعث ایجاد جذابیت این گورستان منحصر به فرد شده است. در این مکان تندیس‌هایی از موسیقی‌دانان، نویسندگان، هنرمندان، معماران، نقاشان، سیاستمداران، معلمان، ژنرال‌ها و برندگان جایزه نوبل وجود دارد. در سراسر این آرامگاه می‌توان تمثیل‌هایی از فرشتگان، قدیسیان و خدایان را با لبخندی رمزآلود یافت.



تصویر ۲. آرامستان میلان، ایتالیا. عکس: بهزاد مسعودی اصل، ۱۳۹۴.

حقیقت نشانگر زندگی دنیوی و اخروی و نیز جایگاه ویژه مردگان در آن تمدن است و این الگوها در آینده تمدن غرب باعث پیدایش و شکل‌گیری معماری آرامستانی می‌شود.

در اروپا تا سال ۱۴۰۰ که تقریباً شروع رنسانس است، مردگان عموماً در محوطه کلیسایی دفن می‌شدند یعنی church yard که تا الان هم در برخی از این نمونه‌ها باقی مانده است. در این ساختار نشانه‌هایی که برای مرگ طراحی شده، عموماً مرگ‌اندیشی و ترسناکی مرگ را تأکید کرده است که عمدتاً به شکل جمجمه یا فرشته مرگ یا اسکلت است و یک فضای ترسناک و وهم‌آلود از مرگ را ارائه می‌دهد. در دوره بعد از رنسانس تغییر نگرش به مفهوم مرگ جایگزین نگرش‌های قبلی می‌شود. در این حالت مفهومی به اسم گورستان‌های تصویرگرا picturesque است. در حدود ۱۷۵۰ مفهوم گورستان در قالب پرداخت مجدد به مفهوم اتروسکی و البته با توجه به شرق شکل می‌گیرد و در دوره ویکتوریایی مفهوم باغ گورستان است که تشابهاتی با باغ مزارهای ایرانی دارد. باغ‌مزارها نمونه‌ای از باغ ایرانی است که با حفظ بن‌مایه اصلی خود، به عنوان مکانی برای دفن تعدادی از بزرگان مورد استفاده قرار می‌گرفتند (ویلبر، ۱۳۸۳). اهمیت باغ در تفکر ایرانیان فراتر از زندگی مادی و نماد سعادت جاودانی و بهشت زمینی است. شاید بتوان اظهار داشت که توجه به بهشت در اسلام و توصیفی که از آن شده، در پیدایش این نوع مزار مؤثر بوده است و می‌توان آن را بازتاب خواسته افراد در رفتن به بهشت دانست (همان). همچنین از نمونه‌های مهم آرامستان در ایران مجموعه‌های آرامگاهی است که در طول سالیان در کنار مرقد یا مزار شخصیتی مذهبی و محبوب شکل گرفته و دارای حرم، مسجد، مدرسه، کتابخانه، خانقاه، آب‌انبار و ... است که در دوره‌های مختلف تاریخی به آن افزوده و ساخته شده است مانند آستان قدس رضوی، مجموعه شیخ احمد جامی در تربت جام و مرقد حضرت معصومه در قم و آرامگاه شاه نعمت‌الله ولی در ماهان. آرامستان‌ها زمانی بخش مهمی از بن‌مایه‌های زیستگاه‌های بشری و از ارکان اولیه شهرها بوده است و به عنوان فضاهایی مانا در خدمت فعالیت‌های آئینی، فرهنگی و مذهبی قرار داشته‌اند سپس به مرور زمان و با توسعه و گسترش شهر به عنوان بخشی از بافت شهری درآمد و این خود موجب شده تا این اماکن تاریخی سرگذشت‌های متفاوتی در مناطق مختلف جهان داشته باشند. این عناصر شهری که برای بزرگداشت مقام درگذشتگان برپا می‌شده، در هر یک از دوره‌های متعدد تاریخی سبک و سیاق خاص خود را داشته‌اند. قبرستان‌ها یکی از پایدارترین عناصر شهری است، چنان‌که براساس طبقه‌بندی ارائه شده برای منظر تاریخی، فرهنگی و اجتماعی، شاید بتوان آرامستان‌ها را به سبب ایفای نقش پایدار در اجتماع دیروز و امروز در دسته مناظر اصیل مداوم



تصویر ۳. آرامستان میلان، ایتالیا. عکس: بهزاد مسعودی اصل، ۱۳۹۴.

## منظر اجتماعی آرامستان میلان

میزان موفقیت فضاهای شهری با میزان استفاده از آن فضا و حضور انسان در آن متناسب بوده در واقع هدف اصلی معماری و شهرسازی افزایش تعاملات اجتماعی و همبستگی انسان‌ها است. به طور کلی درباره خلق یک فضای عمومی موفق که بتواند پذیرای افراد و گروه‌های مختلف باشد دیدگاه‌های مختلف وجود دارد. از جمله می‌توان به دیدگاه‌های جین جیکوبز (Jacobs)، یان گل (Gehl)، آلن جاکوبس (Jacobs)، کوپرمارکوس (Cooper Marcus)، دونالد اپیلارد (Appleyard) و دیدگاه‌های (PPS, 2010) اشاره کرد. البته در مجموع، دیدگاه‌های فوق در یک نظر اجمالی عواملی چون اختلاط کاربری، سرزندگی، زیبایی بصری و نگهداری و مراقبت از فضا را به طور خاص و عوامل دیگری چون راحتی کالبدی، امکان نشست و توقف کردن، دسترسی مناسب و امنیت، تناسب و خوانایی، تنوع و همگانی بودن فضا را از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر حضورپذیری و تعاملات اجتماعی دانسته‌اند (بهزادفر و کاظمی، ۱۳۹۲: ۱۸).

در مطالعه آرامستان از منظر اجتماع دیده می‌شود که گور به عنوان مکانی که یک انسان در آن آرمیده، نشان‌های فیزیکی است از فرد متوفی و با برقراری ارتباط مخاطب این مکان با شخص تدفین شده، چهره‌های متفاوتی به این فضا داده می‌شود. با وجود این خصیصه، گورستان‌ها بسته به افرادی که در آنجا دفن شده‌اند، کیفیت‌های فضایی متفاوتی به خود می‌گیرند (کاشیگر، ۱۳۸۲: ۱۰۱) به نظر می‌رسد به خاک سپرده شدن یکی از آشنایان و بستگان در این مکان، علاوه بر بخشیدن هویت خاص به این فضا، جنبه‌های خاطره‌انگیز را نیز برای این افراد ایجاد می‌کند و حضور در سر مزار یکی از مشاهیر کشور در یک گورستان، با در نظر گرفتن این که شاید امکان دیدار وی در طول حیاتش برای اکثریت افراد جامعه وجود نداشته، حاکی از برقراری رابطه‌ای از نوع دیگر است؛ عاملی که به نظر می‌رسد از نامتعارف بودن فضای گورستان برای عامه مردم نیز خواهد کاست. به علاوه در جایی که فرد متوفی برای عده زیادی از مردم شناخته شده باشد، تبدیل به یک تجربه نسبتاً مشترک شده و وجه قابل توجهی از اشتراک را به همراه داشته و هویتی ملی را گوشزد می‌کند (اسماعیلی، ۱۳۸۸: ۳۲).

هویت محیط، حاصل ارتباط طبیعی و منطقی فرد با محیط است و این ارتباط و احساس تعلق خاطر بوجود نخواهد آمد مگر آن که فرد قادر به شناخت عمیق محیط و درک تمایز آن از محیط‌های دیگر باشد. به عقیده «پروشانسکی» هویت محیط، زیرساختی از هویت شخص است که از شناخت‌های ذهنی فرد از دنیای کالبدی که در آن زندگی می‌کند تشکیل می‌شود. از نظر «لالی» هویت فرد در ربط و نسبت با محیط بدست می‌آید (دانشپور، ۱۳۸۷: ۳).

کیفیت و غنای تجربه‌ای که از هر مکان برای یک انسان شکل

می‌گیرد، وابسته به ارتباطی است که هر فرد با مکان برقرار می‌کند. آرامستان میلان از این منظر واجد یک ویژگی منحصر به فرد است که خاطرات و یادها در آن به نشانه‌های فیزیکی تبدیل می‌شود. به همین دلیل این مکان، خصلت انسانی یافته و تشخیص می‌یابد و رابطه فرد با گورستان تبدیل به رابطه میان انسان و انسان می‌شود و مخاطب در این کنش، مردگان هستند. به سبب این ویژگی، به تنوع شخصیت‌های مدفون در گورستان، این مکان چهره متمایزی به خود می‌گیرد. مزار عموم مردم، شخصیت‌های مقدس، قهرمانان ملی، هنرمندان و... هر یک کیفیت متفاوتی از فضای گورستانی را ایجاد می‌کند و بنا بر ویژگی‌های دفن‌شدگان، آنچه در این فضاها اتفاق می‌افتد، معانی متنوعی می‌یابد. در مواردی که شخصیتی شناخته شده برای یک جامعه، به خاک سپرده شده است، این رابطه انسانی میان فرد و مکان تبدیل به یک تجربه نسبتاً مشترک اجتماعی می‌شود.

ایتالیایی‌ها اصولاً هنرمند هستند؛ این کشور از ادبیات، هنر، شعر، موسیقی بسیار غنی برخوردار است. اعتقاد آن‌ها به مذهب کاتولیک همواره بر تمامی جنبه‌های هنری و فرهنگی این کشور نفوذ داشته است. در روز اولیا یا قدیسین در اول نوامبر، مارش عزا برای کسانی که مرده‌اند، نواخته می‌شود و زنگ کلیساها به صدا در می‌آید و مردم به آرامستان رفته و مقبره اقوام و دوستان خود را با گل، به ویژه داوودی و شمع می‌پوشانند. به طور کلی، فردی که به این فضا وارد می‌شود یا هدفش زیارت یکی از مشاهیر به خاک سپرده است یا مزار نزدیکان و آشنایان از دست رفته؛ در هر دو حال، امکان ملاقات افرادی با نگرش یا احساس مشترک برای وی وجود دارد و با توجه به تقویت ویژگی‌های مثبت و حتی تسکین‌دهنده برای آرامستان میلان، امکان برقراری تعاملات

### منظر فرهنگی آرامستان میلان

در تعریف اصطلاح «منظر فرهنگی» با دو واژه «منظر» و «فرهنگ» مواجه هستیم که تعاریف آنها به شرح ذیل می‌باشد:

«منظر، پدیده‌ای عینی - ذهنی، پویا و نسبی است که محصول تعامل انسان با طبیعت و جامعه با تاریخ است.» (منصوری، ۱۳۸۳).  
فرهنگ: «هر آنچه وابسته به باورهای روزمره گروهی از مردم و رفتارهای آن‌ها باشد.» (دبیری، ۱۳۸۸) و «منظر فرهنگی، حوزه‌ای جغرافیایی است که منابع طبیعی و فرهنگی را در اشتراک با رویدادهای تاریخی، فعالیت‌ها و افراد در برمی‌گیرد» (فیضی و رزاقی اصل، ۱۳۸۸: ۲۰). همچنین کمیته میراث جهانی یونسکو، منظر فرهنگی را به عنوان تمایز جغرافیایی سرزمین‌ها یا ویژگی منحصر به فرد آن، چنین تعریف کرده‌است: نمایشی مرکب از آثار طبیعی و انسانی. همچنین این کمیته منظر فرهنگی را به سه دسته اصلی بشرح ذیل تقسیم‌بندی کرده‌است:  
۱. منظره‌ای که آگاهانه بوسیله انسان طراحی و خلق شده باشد.  
۲. منظر اصیل تکامل یافته که ممکن است یک منظره به جامانده از گذشته یا منظره تداوم یافته از گذشته تاکنون باشد.  
این شکل منظر، از تعامل بین جوامع ابتدایی، معیشت و آداب و آیین‌های آنان با طبیعت بوجود آمده و شامل دو گونه است: منظر میراثی (فسیلی) که در یک فرآیند تکاملی در گذشته شکل گرفته و اکنون ویژگی‌های معنی دار و مشخص آن در محیط باقی مانده‌است (فرآیند تکامل، در گذشته خاتمه یافته‌است).  
منظر تداوم یافته (پایدار) نقش اجتماعی فعال در زندگی امروز دارد و از سنت‌های گذشته باقی مانده‌است. تکامل آن هنوز ادامه دارد و آثار و شواهد آن قابل شناسایی است.  
۳. منظر فرهنگی مشترک (مختلط) که ممکن است به خاطر آیین‌ها، هنرها و آمیزش فرهنگ با عناصر طبیعی واجد ارزش شده باشد (UNESCO, 2005); (تصویر ۵).

اجتماعی بین این افراد افزایش یافته و از ناخوشایندی تجربه آن کاسته است و باعث سرزندگی محیط این آرامستان در زمان‌های مختلف شده است.

آرامستان میلان یک فضای عمومی و گردشگری، بدون توجه به ریشه یا مذهب و متعلق به همه شهروندان است. فضایی همگانی که در آن شهرداری ضمن تلاش برای رفاه گردشگران، تسهیلاتی را جهت گردش در گروه‌های خاص در نظر می‌گیرد. امروزه این آرامستان محل رفت و آمد افراد بسیاری نظیر کارکنان گورستان، افراد محلی، خانواده‌های تدفین‌شدگان، هنرمندان، گردشگران است و به دلایل فوق و نیز مواردی نظیر آزادی انتخاب موقعیت و طرح مقبره، فضاسازی مناسب شهری، ارائه تسهیلات برای معلولیت‌های خاص، تنوع یادبودها، وجود فضای سبز و میلمان مناسب شهری، امنیت اجتماعی تبدیل به یک فضای سرزنده و پایدار شهری شده است.

بافت کالبدی و ساختار مکانی - فضایی آرامستان میلان یکی از مهم‌ترین ابعاد هویتی آن است، زیرا شکل‌گیری بافت کالبدی آن متأثر از اندیشه‌ها، باورها، فعالیت‌های اجتماعی و سطح فرهنگ آن جامعه است. هویت این مکان به واسطه ایجاد و تداعی خاطرات عمومی در شهروندان درک می‌شود و در این میان مجسمه‌ها، عناصر کهن، فضای مؤثرشان و روابط آن‌ها با محیط و معماری پیرامون، عوامل تقویت‌کننده ایجاد خاطره جمعی، حس تعلق به جامعه محلی و هویت مکانی است. در این آرامستان، هنرمندان مجسمه‌ساز و پیکرتراش به دنبال گسترش یک هویت عمومی و رشد و تعالی معنویات جامعه، از طریق هنر شهری با توجه به تأثیر آن بر تغییر رفتار اجتماعی بوده‌اند (تصویر ۴).



تصویر ۵. آرامستان میلان، ایتالیا. عکس: بهزاد مسعودی اصل، ۱۳۹۴.



تصویر ۴. آرامستان میلان، ایتالیا. عکس: بهزاد مسعودی اصل، ۱۳۹۴.

و... بی‌نظیر است، ضمن معرفی شیوه‌ها و سنت‌های هنری، باعث ارتقای بینش عمومی بوده و بازتاب بخشی از پیشینه سرزمین ایتالیاست.

همچنین در ایجاد خرده‌منظر در این آرامستان سه رویکرد ذیل قابل مشاهده است:

۱. ترکیب درخت با سنگ مزارها
  ۲. ترکیب گل و گیاهان با سنگ مزارها
  ۳. ایجاد فضاهای سبز محصور در برخی مکان‌ها
  ۴. ایجاد و تقویت راسته‌های اصلی سایت با درختان سایه‌انداز
- در دیدگاهی کلی شاید بتوان گفت آرامستان میلان از مهمترین مناظر فرهنگی این شهر به شمار می‌آید. تلفیق ویژگی‌های خرده‌منظر طبیعی، فرهنگی و هنر شهری مهمترین اصل در این گورستان تاریخی است که همچنین می‌توان آن را از جمله موزه‌های روباز شهری قلمداد کرد. این فضا نیز به سبب ایفای نقش پایدار از زمان شکل‌گیری تاکنون، در دسته مناظر فرهنگی اصیل تداوم یافته قرار دارد.

همچنین کنوانسیون منظر اروپا نیز، مناظر فرهنگی تاریخی مانند آرامستان‌ها را اساسی‌ترین و متنوع‌ترین بخش میراث فرهنگی دانسته و بیان می‌کند که به منظور حفاظت از مناظر فرهنگی و تاریخی توجه به بستر و ارتباطات محیطی، طبیعی و انسانی این مناظر امری ضروری است (ممتازپور، ۱۳۹۰: ۱۳۹). هر وقت تدفین در آن منظر صورت می‌گیرد یا ماهیت تدفینی شکل می‌گیرد، منظر می‌شود منظر تدفینی. نکته جالب این‌که گورستان‌ها از منظر تداوم یافته (پایدار) است چون در خیلی از آن‌ها همچنان مداخله صورت می‌گیرد و در حال تغییر است.

آرامستان میلان دربرگیرنده آثار هنری متنوع یادمانی شامل مجسمه، سنگ مزار و بنا است که در ارتقا حس مکان و خاطره‌انگیزی و هویت‌مندی فضا، تأثیر بسزایی دارد زیرا این عناصر در ترکیب منطقی و بصری با محیط، سبب بوجود آمدن نشانه‌هایی مؤثر در برقراری ارتباط با مخاطبان شده‌اند. بطور کلی طرح‌های هنری سنگ مزارهای مجسمه‌گونه این فضا را می‌توان در پنج گروه مختلف ذیل دسته‌بندی کرد:

۱. تلفیق سنگ مزار با مجسمه‌های شخصیت‌های انسانی با توجه به تفکرات انسان‌مداری غربی‌ها
۲. ترکیب سنگ مزارها با مجسمه‌های انسان‌های اسطوره‌ای و

قدیسی

۳. استفاده از نمادهای تزیینی و تمثیلی در سنگ قبور
۴. استفاده از نمادهای مقدس و مذهبی در طرح‌های سنگ قبور
۵. قرار دادن چندین سنگ مزار بر روی صفا و ایجاد یک نماد مشترک

این نشانه‌ها که گویای زندگی و شیوه حیات مردمان در عرصه‌های عمومی بر مبنای ویژگی‌های جغرافیایی بوده، حامل پیام‌هایی برای آیندگان نیز است و مفاهیم و موضوعات مختلفی را معرفی می‌کند. بطور کلی نشانه‌ها و نمادها در این آرامستان گویای طیف وسیعی از معانی است که باعث هویت بخشی آن شده و آن را از سایر پدیده‌های متفاوت و هم‌جنس قابل شناسایی می‌کند. ضمن اینکه بهره‌گیری از نظام این نمادها و نشانه‌ها در تحلیل فهم و نقد مناظر این آرامستان، خود یکی از نقاط قوت آن است. در نهایت این مجموعه عناصر یادمانی-هنری که از نظر تنوع و زیبایی شکل و محتوا (عاطفی، مذهبی، تاریخی، فرهنگی، سیاسی، ادبی و علمی



تصویر ۶. آرامستان میلان، ایتالیا. عکس: بهزاد مسعودی اصل، ۱۳۹۴.

## نتیجه گیری

فرهنگی و هنری مردمان آن جامعه و هویت ملی و محلی را نمایان می‌سازد. آرامستان میلان به مثابه فضای باز و گشوده‌ای بوده که علاوه بر مکانی برای اجتماع نشانه‌ها و یادمان‌ها (یادبودها، سنگ مزارهای افقی و عمودی، مقبره‌های خانوادگی و ...)، از عناصر طبیعی (پوشش‌های گیاهی، شیب زمین، آب و هوا و جانوران و ...) نیز بهره‌مند است. وجود عناصر طبیعی، فرهنگی و تاریخی و آمیزش آن با مفاهیم اجتماعی و نیز ابعاد مهم عملکردی و ویژگی‌های منحصر به فرد و متمایز نظیر گستردگی، اختصاص به مقطع زمانی خاص، مردمی بودن و... که بازتابی از سنت سکونت، آداب و رسوم جوامع انسانی است باعث جذابیت آن به عنوان آرامستان منحصر به فرد شده و آن را به یک فضای باز جمعی شهری و مقصد گردشگری هویت‌مند و ماندگار تبدیل کرده و نهایتاً منجر به پذیرش آن به عنوان یک منظر فرهنگی و اجتماعی اصیل و تداوم یافته شده است.

در آرامستان میلان نشانه و نمادها همچون سنگ قبر، مجسمه، نوشته‌های روی مقبره‌ها و کلیت فضای معماری آن، جلوه‌هایی از فرهنگ، هنر و تاریخ زمان خود است. مزار هر یک از شخصیت‌های این گورستان به مثابه یک سند فرهنگی-تاریخی و اجتماعی، ضمن بیان مفاهیم مذهبی مختص خود، نوع نگرش جامعه به پدیده مرگ را در زمان خاص به نمایش گذاشته و دارای کارکردی دوگانه برای مردگان و زندگان است. از این رو برای افرادی که به این فضا وارد می‌شوند، باری از هنر، فرهنگ و تاریخ را به نمایش می‌گذارد و فضای آن برای نزدیکان و آشنایان متوفی و سایر افراد جامعه خاطره‌انگیز و با هویت بشمار می‌آید. این مکان، از بعد خاطره‌انگیزی نقشی اساسی در حفظ یاد و نام گذشتگان داشته و در کنار نقش و ویژگی‌های زیباشناختی، زیست محیطی و اکولوژیکی، از ابعاد تاریخی در زندگی امروز برخوردار است و موجبات تقویت تعاملات اجتماعی و ارتقای کیفیت و ایجاد سرزندگی را فراهم آورده و جنبه‌های مهمی از ریشه‌های قومی،

## پی‌نوشت

این مقاله برگرفته از طرح پژوهشی «گردشگری فرهنگ شهری» است که در سال ۱۳۹۴ به مسئولیت آقای دکتر سیدامیر منصوری در پژوهشکده نظر انجام گرفته و نگارنده به عنوان همکار طرح در سفر مطالعاتی و برداشت‌های میدانی طرح مذکور به مدت ۱۸ روز به اروپای غربی (فرانسه-ایتالیا) مشارکت داشته است.

## فهرست منابع

- اسماعیلی، محمدجواد. (۱۳۸۸). جامعه‌شناسی مردم‌مدار. *جامعه‌شناسی ایران*، ۱۰ (۲): ۱۷۸-۱۸۵.
- اسماعیلی، شب‌نم السادات. (۱۳۸۸). ما و گورستان، نگاهی بر فضای گورستان از منظر انسان‌شناسی مکان. *فصلنامه اندیشه ایران‌شهر* ۴، (۱۳): ۳۱-۳۴.
- البرماله، ای‌زاک. (۱۳۳۲). *تاریخ ملل شرق و یونان*، ترجمه: هژیر، عبدالحسین. تهران: انتشارات ابن‌سینا.
- بهزادفر، مصطفی. طهماسبی، ارسلان. (۱۳۹۲). شناسایی و ارزیابی مؤلفه‌های تأثیرگذار بر تعاملات اجتماعی، *باغ نظر*، ۱۰ (۲۵): ۱-۲۸.
- تقوایی، سیدحسین. (۱۳۹۱). از سبک تا هویت در معماری، *هنرهای زیبا*، ۱۷ (۲): ۶۵-۷۳.
- چایلد، گوردن. (۱۳۶۸). درآمدی کوتاه بر باستان‌شناسی، ترجمه: هایده معیری، تهران: انتشارات مطالعات و تحقیقات فرهنگی، محمدجواد. (۱۳۸۸). جامعه‌شناسی مردم‌مدار.
- حقیر، سعید. شوهانی زاد، یلدا. (۱۳۹۰). چگونگی ارتقای جایگاه گورستان‌ها در جوانب فرهنگی و اجتماعی توسعه پایدار شهری در ایران. *باغ نظر*، ۸ (۱۷): ۸۱-۹۴.
- دانشپور، عبدالهادی. (۱۳۸۷). کشاورزی پایدار شهری، ضرورت و راهکارها، *همایش ایده‌های نو در حوزه مدیریت شهری*.
- فکوهی، ناصر. (۱۳۸۳). انسان‌شناسی شهری. تهران: نشر نی.
- فیضی، محسن و رزاقی اصل، سینا. (۱۳۸۸). گورستان‌ها به مثابه مناظر فرهنگی، *فصلنامه اندیشه ایران‌شهر*، ۴ (۱۳): ۲۰-۲۴.
- قبادیان، وحید. (۱۳۸۸). مبانی و مفاهیم در معماری معاصر غرب. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- کازرونی، فرشاد. (۱۳۸۹). گورستان و معماری منظر، *منظر*، ۲ (۶): ۱۰-۱۱.
- کاشیگر، مدیا. (۱۳۸۲). معماری مرگ. *زیباشناخت*، ۹: ۱۰۱

- Rapoport, A., (1999), *Spatial Organization and the Built Environment*, Companion Encyclopedia of Anthropology, London, New York: Routledge.
- Miller, D. , Jason, D., (2006). *Hollowed Ground, Place and Culture, The cemetery and the creation of place. space and culture*, 9(4):334-350
- Publications Ltd. Gartland, L. (2008). *Heat Islands: Understanding and Mitigating Heat in Urban Areas*, Earthscan

۱۱۰-

- ممتازپور، ارغوان. (۱۳۹۰). شناخت و تحلیل نقاط قوت، ضعف، فرصت ها و تهدیدهای بافت تاریخی، فرهنگی، مذهبی آرامستان تخت فولاد اصفهان و تدوین استراتژی های چهارگانه با روش SWOT پایان نامه کارشناسی. دانشگاه پیام نور.
- منصوری، سید امیر. (۱۳۸۳). درآمدی بر شناخت معماری منظر. *باغ نظر*، ۱(۲): ۶۹-۷۸.
- منصوری، سید امیر. (۱۳۸۹). چيستی منظر شهری، بررسی تاریخی تحولات مفهومی منظر شهری در ایران، منظر، ۹: ۳۰-۳۳.
- ویلبر. دونالد. (۱۳۸۳). *باغ های ایران و کوشک های آن*. ترجمه: صبا، مهین دخت. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- یکتایی، مجید. (۱۳۷۸). *تاریخ تمدن و فرهنگ*، تهران: گوتنبرگ.